



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۷/۰۶

رفعت حسینی

چرا خایه مال نگاشتم؟

آقای سید عبدالله کاظم خُرده گرفته اند که چرا عنوان مقاله را <خایه مالی در شعر پارسی> گذاشته ام. و خایه مال را مستهجن تلقی نموده اند.

من شاعران مداح را شاعران جنایتکار و شاعران خایه مال زورمندان می دانم. [[۷۱]] سال دارم و از صنف پنجم مکتب ابتدایی با کمکیانو انیس و سپس مجله های ژوندون، هنر، پشتون ژغ، عرفان، ادب و روزنامه های تمام کشور و رادیو تلویزیون افغانستان همکاری قلمی داشته ام و بیست و سه کتاب منتشر نموده ام.

بایستی در زمینه بنگارم:

یک. من بگونه نامتناهی به « عفت کلام» وقوف و آگهی دارم و در پیشانی آن مقاله نبشته بودم: برین نگاشته سایه بی معرفتی نیفتاده است.

دو. سده هاست، از آغاز شعر پارسی تا ۱۳۹۹ خورشیدی، شعر ننگین، آغشته با جرم و خبائت و بیگانه با فرهنگ و دهشتزای مداحی وجود داشته است.

سه. {{ ابلهانی }} فکرمیکردند و تاهنوزمی اندیشند که شعر مداحی یک نوع پسندیده شعر پارسی است و با آداب فرهنگی و معاییر ارزش های انسانی برابر و همناست.

شعر مداحی درلسان پارسی، شعر مدح استبداد و بیدادگری و نظم وی مروتی است.

شعریست که با <معرفت انسانی> همنفس نیست و بیگانه بامعاییر مدنی و با صطلاح امروزی، مخالف اساسات دیموکراتیک و بشرخواهانه و داخواهی و برابری اجتماعی می باشد.

منضاد قوانین اجتماعی است.

در هیچ کتاب تاریخ ادبیات پارسی و در هیچ کتاب نقد ادبی پارسی، نگاشته بی هیچگاه منتشر نگردیده است که در برابر شعر [لبریز جنایت] مدحی مخالفت و <عصیان> نماید.

من شعر مداحی را شعر کُرنش کردن (شعر چاپلوسی) می فهمم.

آیا چاپلوسی و کُرنش در برابر بیدادگر اجتماع و مستبدان قدرتمند یعنی زوردار و زردار، برای حصول بخشش و «تحفه نقدی» کاری علیه اخلاق و نزاکتهای پسندیده اجتماع نمی باشد.

معانی مدح اینست:

مدح . [م] [ع] (ع امص) ستایش . ثنای به صفات جمیله . وصف به جمیل . توصیف به نیکوئی . مدحت . مدیح . مدیحه . آفرین . تحسین . تمجید . مقابل هجو

و معانی کُرنش گر (چاپلوس):

خایه مال، چرب زبان، کاسه لیس، خوشامدگو، زبان به مزد، سالوس، ظاهرنا، متملق، مداهن، مزدخواه. و من بجای شعر مدحی، شعر خایه مالی نگاشته ام. و این حقیقت کامل است و مغایر آداب معاشرت و مستهجن و عفت کلام نیست.

ظهیر فاریابی در مدح قزل ارسلان میگوید:

نُه کرسی فلک نهادنیشه زیر پای

نهد

ارسلان

قزل

بررکاب

تابوسه

حافظ شیرازی چنین جفنگی می نویسد:

جبین و چهرهء حافظ خدا جدامکناد

ز خاک بارگه کبر پای شاه شجاع

اگر گفته شود که: ظهیر و حافظ خایه های قزل ارسلان و شاه شجاع را مالیده اند، کاری مستهجن!! است؟ استبداد شاه شجاع و قزل ارسلان « ناز » دادن و رفاه مردم بود. مستهجن نبود؟

برخی ها بنابر عامل زمان در گذشته، اینگونه شاعران را تیرنه مینمایند مگر اینگونه تفکر گریز کردن از مبارزه در برابر بیداد است.

از ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۹ نیز شاعرانی در مدح حزب خلق و جهاد اسلامی و در وصف فهیم قسیم و ربانی و مسعود سرودند.

نتیجه شعر خلیل الله خلیلی برای ضیالحق زمامدار مستبد پاکستان آن بود که مشاور ضیالحق مقرر گشت. حیدری وجودی برای یک بنیانگذار مافیای فساد در افغانستان (فهیم قسیم) شعر مدحی نبشت چون برایش بخششی می داد.

تمام قصاید انوری را میتوانید در سایت گنجور بخوانید.

همه قصاید انوری در مدح و وصف ستمگران و مستبدان آروزگار که در حوزه زندگانی وی میزیستند، نگاشته شده اند.

یک قصیده در ستایش اسب ناصر الدین و در مدح او،

یک قصیده در مرثیه سیدالسادات مجدالدین ابی طالب بن نعمه،

قصیده شماره ۳۰ در وصف عمارت ناصرالدین طاهر،

قصیده شماره ۵۸ - در تعریف قصر و عمارتی که ناصرالدین در باغ ساخته بود،

قصیده شماره ۷۳ - در صفت بغداد و مدح ملک الامرا قطب الدین مودود شاه،

قصیده شماره ۸۳ - در تعریف عمارت و مدح صاحب ناصرالدین طاهر،

قصیده شماره ۱۰۴ - در عذر کم خدمتی و مدح امیر مودود احمد عصمی،

قصیده شماره ۱۳۶ - در تهنیت ماه رمضان و مدح مجد الدین ابوالحسن عمرانی،

قصیده شماره ۱۸۴ - در صفت قصر و باغ منصوریه و مدح ناصرالدین طاهر،

تمام متون این ۱۰۰ قصیده را میتوانید مرور نمایید.

آیا شعرهایی این چنین، از سرزمین چاکری و مزدوری به بیداد و استبداد و نابرابری و بی فرهنگی و بیگانه با مدنیت، شایستگی دارند که بایستی به آن مباحثات نمود؟

شعر برای خایه مالی نیست.

گنجور

قصاید انوری « دیوان اشعار »